

آموخته هایی از ۱۸ تیر امسال

contact@korosherfani.com

کورش عرفانی

تظاهرات اعتراضی ۱۸ تیر نیز انجام شد. تبدیل به یک قیام سرنگون ساز نشد اما امیدبخش بود. اگر گستره‌ی این حرکت آنچه که اپوزیسیون برانداز انتظار داشت نبود دلایلی چند وجود دارد که به برخی از آنها می پردازیم :

۱) حمایت دولتهای خارجی : اتحادیه اروپا و حمایت ننگ آور خود دست رژیم را در سرکوب باز می گذارد. باید با کار فعال سیاسی و تبلیغاتی روی شهروندان، انجمن ها، احزاب، نمایندگان و سیاستمداران و نیز سازمانهای بین المللی بشردوستانه و وسایل ارتباط جمعی و خبرگزاریها این حمایت را تا آنجا که ممکن است تضعیف ساخت.

۲) حضور کوتوله های سیاسی و هجوم مزدوران جمهوری اسلامی در صحنه تبلیغاتی : باندهای رفسنجانی و خاتمی در اروپا و آمریکا با خرج میلیونها دلار و به راه انداختن تلویزیون و رادیو و با به کارگیری مزدورانی چون نوری زاده و ارسبی و با همیاری امثال میبدی و فرزاد دلجو و غیره جو را مسموم کرده و تلاش می کنند تا مرزهای میان رژیم و ضد رژیم را مخدوش می کنند. هدف آنها اینست که برای جمهوری اسلامی مشروعیت دست و پا کنند، دردهای مردم ایران را کم اهمیت جلوه دهند و مبارزات مردم و اپوزیسیون را تحریف نمایند. برای یک دست کردن جو مبارزاتی در خارج از کشور و هدایت آن به سمت یک مبارزه رادیکال و همسو باید این شبکه ضد ایرانی را در خارج از کشور تضعیف نموده و از کار بیاندازیم. باید به افشای فاحشه های سیاسی، جاسوسان و قلم فروشان شناخته شده پرداخت و رادیوهای محفلی آنها را خفه کرد.

۳) ترس از سرکوب : ابزار سرکوب وحشیانه هنوز در داخل کشور عمل می کند هر چند که تاثیر گذاری آن روز به روز ضعیف تر می شود. از تمامی امکانات باید سود جست تا در مردم شجاعت مبارزه را زنده کرد و آنها را به سمت یک رویارویی عملی با رژیم هدایت کرد. فداکاری مسلحانه نیروهایی که قادرند جو ترس و اختناق را بشکافند در این زمینه کار سازست. با وارد ساختن ضربات کارساز به مهره ها، اماکن و نیروهای رژیم باید روحیه آنها را تضعیف و روحیه مردم را تقویت کرد. باید به مردم نشان داد که امروز نبود ترس ضامن رهایشان است.

۴) از میان بردن فاصله میان جامعه و اپوزیسیون : این فاصله دو جنبه دارد و در واقع دو سویه است : از یک طرف باید اپوزیسیون از واقعیات اجتماعی، فرهنگی

و بخصوص از روانشناسی اجتماعی ایرانیان در داخل کشور بطور مستند، عینی گرایانه و روشمند کسب اطلاع کند و از طرف دیگر باید ابزارهای مناسب ارتباط با افشار مختلف جامعه را بیابد. فراموش نکنیم که استفاده از اینترنت و ماهواره در ایران همچنان گستره‌ی محدودی دارد و توده‌ها هنوز بطور وسیع به این دو ابزار ارتباطی دسترسی ندارند. در این باره بر اهمیت رادیوهای موج کوتاه سفارش می‌شود چون قابل دسترس همه است.

باید بتوان با شناخت دقیق‌تر از ماهیت روانی ایرانیان از یکسو و یافتن کانالهای ارتباطی مناسب از سوی دیگر فاصله، میان ایرانیان داخل کشور و اپوزیسیون را از سر راه برداریم. جمهوری اسلامی از این فاصله برای جعل و قلب واقعیات و مسخ کردن افکارعمومی استفاده می‌کند. از جمله اینکه چهره سیاهی از جهان خارج ارائه می‌دهد تا مردم به زندگی پر رنج خود قناعت کنند. باید نشان دهیم که جهنمی که مردم بدان خود گرفته‌اند در کنار آنچه ثروتهای موجود در کشور اجازه می‌دهد چیست. بسیاری از هموطنانمان چون جز این ندیده‌اند می‌اندیشند که اینست و جز این نیست. رادیو و تلویزیون رژیم نیز تصویر تاری از کشورهای دیگر می‌دهد تا هرگز امکان مقایسه مرگسرای داخل با زندگی مرفه و آرام جوامع پیشرفته پیش نیاید.

۵) از میان بردن تشیت در اپوزیسیون : هر چند که من به اتحاد همه باهمی اعتقاد ندارم اما بر این باورم که بسیاری از بخش‌های اپوزیسیون می‌توانند بصورت همسو و حداقل "همهانگ" عمل کنند. اینکه هر سازمان و گروهی بخواهد در فرصتهایی مانند ۱۸ تیر برای تشکیلات و اعتقادات خود بهره برداری تبلیغاتی کند سبب بی اعتمادی مردم و بی اعتباری اپوزیسیون می‌شود. چند گانگی روایتها و راه‌های پیشنهاد شده توسط گروههای کوچک و بزرگ مردم را گم گشته کرده است. بهتر است قدری عاقلانه تر عمل نموده و بیشتر به فکر کارایی باشیم و در درجه نخست فقط و فقط بر سرنگونی تاکید کنیم و خواستههای دیگر را به مرحله منطقی خود که پس از سرنگونی نظام جمهوری اسلامی می‌آید واگذار کنیم. ساده کردن کار مبارزه از طریق کاهش روایتها و گفتمانها ضروریست و اینکه همه بر سر براندازی در کنار هم قرار گیرند. فردیتها، منیتها، تصفیه حسابها، عقده گشایها و رفتارهای انتقام جویانه میان هم تنها آبرو و حیثیت اپوزیسیون را کاهش می‌دهد و آنرا بی اثر می‌سازد.

۶) مبارزه با تحریف هویت : جمهوری اسلامی با در اختیار داشتن تمام امکانات تبلیغات داخل کشور تلاش می‌کند که اپوزیسیون را در چشم مردم بی اعتبار سازد. و نیک می‌دانیم که یک فراخوان تا زمانی که منبع آن در چشم مردم مشروعیت و اعتبار نداشته باشد مورد توجه قرار نخواهد گرفت. هرروز ساعتها ضد تبلیغات و صدها صفحه مطلب بر علیه تمامی اجزا اپوزیسیون در داخل کشور پخش و منتشر می‌شود. این تنها با عمل کرد صادقانه و عشق واقعی و عمل بی غرضانه در خدمت ایران و ایرانی است که اپوزیسیون می‌تواند این مغزشویهارا در داخل کشور خنثی کند. در این باره بحث روشنگرانه و مبتنی بر شفافیت می‌تواند موثر باشد. اپوزیسیون باید در چشم مردم داخل کشور

اعتبار بیاید تا پیامش شنیده شود. باید بدور از افراطها و تفریطها خود را به مردم بشناسانیم تا آنها آگاهانه انتخاب خود را بکنند و تحت تاثیر تبلیغات سوء دستگاه مغزشویی رژیم قرار نگیرند. در بیرون از ایران نیز باید واحد خارج از کشور این دستگاه را چه روی اینترنت و چه روی ماهواره خنثی کرد.

۷) رادیکال کردن مبارزه : رژیم جمهوری اسلامی در هر تظاهراتی از دفعه قبل وحشی تر و خشن تر عمل می کند. در داخل کشور بسیاری به این نتیجه رسیده اند که با این رژیم جز با زبان خشونت نمی توان سخن گفت. به همین خاطر باید روایت های گل و بلبل و سکوت سالاری مبارزه را کنار گذاشت و بر یک نبرد واقعی و عملی با نظام تکیه کرد. امروز همه می بینند که چگونه مبارزه مبتنی بر حرف و شعار و اعلامیه در مقابل پاسخ مسلحانه و سرکوبگرانه رژیم به بن بست رسیده است. این بن بست شکستی نیست مگر با تکیه بر یک بازوی مسلح پر قدرت و سازماندهی شده که بعنوان ضامن پیروزی مبارزه مردم باید وارد عمل شود. در این نگرش است که می بینیم حضور ارتش آزادیبخش ملی در کنار مرزها یک شانس تاریخی برای اپوزیسیونی است که همه روشها را آزمایش کرده و جز باتوم و زنجیر و گلوله و زندان و اعدام و ترور چیزی نصیبش نشده است.

حداقل واقع گرایی نشان می دهد که این رژیم جنایتکار و تا دندان مسلح جز با زور، قدرت را به مردم واگذار نخواهد کرد. به همین دلیل ضروری به نظر می رسد که از این پس مبارزه را در تمامیت خود رادیکال تر کرده و بی پروا حرف از "مبارزه مسلحانه سراسری" برای سرنگونی رژیم بزینیم. در غیر این صورت مبارزه فقط جنبه دلخوشی و آرام سازی وجدان را خواهد داشت اما وجه عملی و هدفمند آن از این طریق هرگز تامین نخواهد شد.

۸) حفظ تداوم مبارزه : آنچه در ۱۸ تیر گذشت می تواند بعنوان نقطه آغاز یک سیر مبارزاتی باشد که با توجه به وضعیت عمومی در بحران امروز حاکمیت، قطعاً سبب سرنگونی آن خواهد شد. تمامی ایرانیان مبارز و تشکل های سیاسی خواهان سرنگونی نباید حتی ۲۴ ساعت نیز از حرکت و فعالیت برانداز باز بمانند. از هر طریق ممکن باید حملات را بر جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور ادامه داد و نگذاشت که تب مبارزاتی ناشی از حرکت سه شنبه ۱۸ تیر فرو نشیند. رژیم جمهوری اسلامی امروز غرق در مشکلات پایه ای و لاینحل خود می باشد. با افزایش و تداوم بخشیدن به مبارزات سیاسی، تبلیغاتی، نظامی، اطلاعاتی و... باید او را هرچه ضعیف تر و خود را قویتر کنیم.

برای جمع بندی آنچه آمد :

۱) تلاش برای کاهش حمایت اروپا از رژیم
۲) افشا و مقابله با شبکه تبلیغاتی مزد بگیر جمهوری اسلامی در لندن و لس آنجلس و هر جا که جاسوسان و ستون پنجم های جمهوری اسلامی پیدا می شوند.

۳) تلاش برای از میان بردن ترس مردم از سرکوبگران بخصوص با حملات مسلحانه ایذایی و شکننده

۴) کاهش فاصله و جدایی میان اپوزیسیون و اعماق جامعه ایرانی از طریق شناخت بهتر روانشناسی اجتماعی طبقات و اقشار مختلف و نیز از طریق یافتن ابزارها، قالبها و زبان مناسب ارتباطی با آنها.

۵) کاهش چندپارگی و تشتت در اپوزیسیون از طریق همسویی در یک اصل پایه‌ای و اولیه : ضرورت براندازی نظام و سپس رقابت انتخاباتی سالم با هم.

۶) فعالیت تبلیغاتی شفاف و صادقانه برای مقابله با ضد تبلیغات جمهوری اسلامی روی اپوزیسیون با هدف کسب مشروعیت و اعتبار هر چه بیشتر در چشم مردم

۷) رها ساختن روشهای مبارزاتی مسالمت جویانه اما بیهوده و بی اثر و رادیکالیزه کردن شیوه‌های مبارزتی با درک اهمیت وجود یک بازوی مسلح برای به ثمر رساندن قیام مردم.

۸) حفظ جدی تداوم مبارزه سرنگون ساز از طریق وارد کردن ضربه به هر شکل ممکن به جمهوری اسلامی و عوامل آن در داخل و خارج از کشور.

آزاد سازی میهن نیاز مداوم به باز اندیشی شیوه‌های مبارزاتی و نیز عمل کردن و پی گیری جدی شیوه‌های انتخاب شده دارد.

x x x